



ابراهیم درقاب نزدیک

دریک گفت وگوی مشروح باآیت ا... علم الهدی، ناگفته هایی از شهید رئیسی را شنیدیم؛ از خواستگاری و مهریه و رفاقت های صمیمانه تا تحصیلات و اجتهاد و ماجرای ریاست جمهوری



سید صادق غفوریان- حوالی ساعت ۱۳:۳۰ سی ام اردیبهشت ۱۴۰۳ یک خبر هولناک، ایران را دریک بهت تاریخی فرو برد: رسانه ها از «فرود سخت» بالگرد رئیس جمهوری می گفتند که محبوب بود، سختکوش بود، دلسوز بود و مهم تر از همه، این که ازجنس مردم بود. آن روز، ثانیه ها ودقیقه ها به کندی وسختی می گذشت؛ اما تقدیر الهی این بود که آیت ا... سید ابراهیم رئیسی، «شهید جمهور» لقب بگیرد. رهبر شهیداد و «عزیز» خودشان خواندند؛ حتی منتقدانش دلسوزی، پرکاری و صداقت اش را ستودند و او این گونه خدمت خالصانه به مردم را در تاریخ این سرزمین ثبت و ضبط کرد. اغلب ما ازسید ابراهیم رئیسی و ازویژگی های شخصیتی اش تاکنون کلیاتی را شنیده ایم؛ اما او دریک قاب نزدیک تر و به روایت پدر همسرش آیت ا... سید احمد علم الهدی قطعاً جذاب تر خواهد بود. ما دریک گفت وگوی مشروح دردفتر نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد، این ناگفته ها را شنیدیم...

در تشخیص امور، بالغه ورشیده بودومن هم نظرم درباره مهریه این بود که همان مقدار مهریه حضرت زهرا سلام... علیها باشد؛ یعنی ۴۸۰ مقال نقره صیرفی که احتمالاً حدود ۵ سکه بهار آزادی می شود. ما برای مهریه هیچ شرط دیگری نداشتیم. آن زمان شروع دوازده گانه تازه در سندان دواج قید می شد که آقای

رئیسی گفتند، من این ها را قبول ندارم که ما هم گفتیم اشکالی ندارد.

مراسم های عقد وعروسی، چطور برگزار شد، خاطراتان هست چه هدیه ای به داماد دادید؟ چندان خاطر م نیست، چون هدیه قابل نبوده شاید یک انگشتر هدیه دادم. مراسم عقد را ایشان در تالار بزرگهر در خیابان مجاهدین اسلام تهران گرفت. خارج رانزد مرحوم آیت ا... حاج شیخ مجتبی تهرانی ادامه داده که خداوند رحمت کند ایشان را، بارها از استعداد تحصیلی و قدرت علمی شهید رئیسی تعریف می کرد. ضمن این که سال ۱۳۸۰ نیز در مقطع دکتری مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته و پس ازتحصیل ودفاع ساله، از این مرکز در رشته فقه و حقوق فارغ التحصیل شد.

خطبه عقد را چه کسی خواند؟ آیت ا... مهدوی کنی واخوی بزرگ بنده، عقد را خواندند. خاطرم هست، آقای فلسفی و تعدادی از علما و مسئولان که با ما و آقای رئیسی مرتبط بودند در مراسم عقد شرکت کردند.

دوران عقد چقدر به طول انجامید؟ فکر می کنم، حدود یک سال بود. سال ۶۳ هر دو به سفر حج مشرف شدند و پس از آن هم به خانه خودشان رفتند.

اگر موافق باشید، از این بخش گذر کنیم و به موضوع تحصیلات آقای رئیسی بپردازیم؛ موضوعی که در مقاطعی مورد هجمه قرار گرفت... از درس و بحث شهید رئیسی بر ایمان بگویند. آقای رئیسی استعداد قوی و فوق العاده ای در درس و تحصیل داشت. وقتی در مشهد بود، در مدرسه علمیه مرحوم آیت ا... موسوی نژاد تحصیل می کرد و آن جا مورد توجه ایشان بود. وقتی به قم رفت، تحصیل را در مدرسه مشهور حقانی ادامه داد. حقانی توسط شهید بهشتی و شهید قدوسی اداره می شد. در آن مدرسه هم از طلاب برجسته بود به طوری که وقتی شهید قدوسی دادگاه انقلاب را تاسیس کرد، بر اساس شناختی که از سطح علمی، بصیرت و کیاست و مدیریت آقای رئیسی داشت، او را

برای نخستین سوال، خوب است از آشنایی تان با شهید رئیسی آغاز کنیم. قبل از خواستگاری از فرزندتان، ایشان را می شناختید؟

ابتدای آشنایی ام با ایشان، سال ۶۱ وزمانی بود که به خواستگاری دخترم آمدمند. زمان خواستگاری تا عقد، فاصله ای ایجاد شد چون شهید رئیسی آن زمان دادستان کرج و در جریان انتقال به دادستانی همدان بود از طرفی، دخترم نیز در سال آخر دبیرستان مشغول تحصیل و امتحانات نهایی بود. سر انجام، دی ماه ۱۳۶۲ عقد صورت گرفت. در واقع، این تنها یک خواستگاری نبود بلکه سر آغاز یک آشنایی شد که بیش از ۴ دهه به طول انجامید و ما با ایشان محشور بودیم. آن زمان، تناسبی هم میان شغل من و ایشان بود، من آن موقع مسئول کمیته منطقه تهران بودم و آقای رئیسی هم در دادستانی انقلاب بود.

در واقع از همان زمان، انس و رفاقتی میان شما و آقای رئیسی به وجود آمد؟ بله، از همان زمان خواستگاری با وجود فاصله سنی که میانمان بود، اما با هم بسیار دوست و صمیمی شدیم. ۴۰ سال دوره زندگی آقای رئیسی با خانواده ما به طول انجامید. او در حقیقت برای همه ما به ویژه برای فرزندان یک داماد دوست داشتنی بود. پسر کوچک من، همزمان با ازدواج آقای رئیسی به دنیا آمد، می توانم بگویم، او در دست و بال شهید رئیسی بزرگ شد و پسر م به او خیلی علاقمند بود.

این طور که می گویند، این روابط صمیمانه فراتر از یک نسبت فامیلی بوده است... بله، دقیقاً همین گونه بود. روابط ما با ایشان، تنها از نوع یک رابطه داماد با خانواده همسر نبود. چون این ارتباط، عمیق تر و صمیمانه تر بود. در واقع همه اعضای خانواده ما به ایشان علاقمند بودند. ضمن این که در خط و مشی سیاسی و فکری نیز یک تفاهم اساسی میانمان بود. همچنین ایشان یک وابستگی ویژه به حضرت امام داشت و ارتباطاتش با ایشان نزدیک بود. به همین دلایل، رابطه بنده نیز با آقای رئیسی فراتر از ارتباط پدر همسر و داماد بود.

شهید رئیسی از چه طریق به خانواده شما معرفی شدند؟ آقای سید ناصر حسینی که اخیراً به رحمت خدا رفتند، معرف آقای رئیسی بودند. آقای حسینی داماد پسر عمویم بود که مدتی امام جمعه فردوس و سال های اخیر هم در حرم مطهر امام جماعت بودند. آقای رئیسی، آن اوایل که برای تحصیل از مشهد به قم می رفتند، مدتی را در منزل آقای حسینی در قم اقامت داشته اند.

به سراغ اصل مطلب برویم؛ مهریه چطور تعیین شد؟ خانواده شما نظراتان درباره مهریه چه بود؟ همسر ایشان، یعنی دخترم همان زمان

شهید رئیسی پس از دادستانی کرج، دادستان همدان شد و حدود ۴ سال آن جا بود تا این که در تهران میان مرحوم آقای موسوی اردبیلی و شهید لاجوردی در دستگاه قضا، اختلافاتی پیش آمد و آقای لاجوردی از دادستانی انقلاب تهران استعفا داد. پس از این موضوع، آقای رئیسی راه تهران منتقل کردند و پس از این که مدتی سرپرست دادستانی بود، سپس به دادستانی انقلاب تهران منصوب شد. در واقع، آقای رئیسی بیشتر دوران جنگ را دادستان انقلاب تهران بود؛ همان سال ها بود که تحركات منافقین در تهران توسط شهید رئیسی جمع شد. در واقع دو هفته پس از حضور او در دادستانی انقلاب تهران، با کمک سایر نیروها همچون سپاه، غائله ترور ها و کشتار های خیابانی را که توسط منافقین در تهران انجام می شد، جمع کرد.

شهید رئیسی در خانواده و جمع های خانوادگی، از مسائل کشور و موضوعات کاری هم صحبت می کردند؟ هیچ وقت مسائل کاری را در خانواده اش مطرح نمی کرد. با این که با همسرش بسیار صمیمی بود و به یکدیگر بسیار علاقمند بودند، اما مسائل کاری را در خانه بیان نمی کرد. با ما هم در میان نمی گذاشت؛ گاهی ممکن بود ما مسائلی را جو یا شویم، اگر اقتضا داشت، پاسخ می داد و اگر اقتضا نداشت، به چشم هایم نگاه می کرد و معنای این نگاه در دهن هم این بود که نمی خواهد بگوید.

شما گاهی به دلیل مواضع و دیدگاه های تان توسط افراد و جریان های مختلف مورد گلابه واقع می شوید. آیا شرایطی پیش آمد که شهید رئیسی هم به شما گلابه کنند؟ در تمام این ۴۰ سال هیچ وقت بر سر مسائل کلی سیاسی بحث ندیدم و کاملاً با هم همسو بودیم. البته ایشان گاهی به من درباره برخی موضوعات که ورود می کنم می گفت حالا فلان موضوع به این سفتی که شما گفتید نیست. می گفت، لازم نیست شما این طور بگویید و یا برخورد کنید چون با شما دشمن می شوند. اما من از یک اصطلاح استفاده می کردم که «به هر حال محل، یک میدان داریم خواه» نمی شود، همه بخواهند با برخورد های نرم و مصالحه آمیز عمل کنند، گاهی برای این که کار پیش برود لازم است یک نفر یک فریاد بزند. بعد آقای رئیسی می گفت، من قبول دارم اما چرا شما خود را هزینه و سیبل کنی، بگذار دیگران فریاد بزنند.

او خودش در کار، در عین این که خیلی جدی بود اما خیلی از کارها به شیوه نرم پیش می برد و می گفت، کارها با سیستم رفرمیستی بهتر پیش می رود تا با برخورد های سنگین.

یکی از مواردی که آقای رئیسی همین نکته را به شما گفتند، می توانید بگویند؟ در خیلی از مسائل پیش می آمد البته مواردی هم بود که می گفت، اگر برخورد شما نبود کار درست نمی شد. مثل این که در ماجرای قتل ۸۸، خداوند آقای هاشمی رفسنجانی را رحمت کند، در صحن مجلس خبرگان، بین من و ایشان یک برخورد در گیری سنگین پیش آمد که آقای رئیسی از این مواجهه خیلی ناراحت و احساساتی شد. همانطور که گفت، بعد از آن گفت، اگر شما این برخورد نمی کردید کار درست نمی شد. به هر حال، ولایت و رهبری جزو اصول بنده است و نمی توان در باره آن کوتاه آمد. در موضوع اخیر انتخاب رهبری نیز همین گونه شد، دو سه مانع پیش آمد که بنده سفت و سخت ایستادم و کار حل شد. اگر همه بخواهند ملاحظه کنند، کار درست نمی شود...

شما هم در مقابل به شهید رئیسی نکته ای را متذکر می شدید؟ خیر، چون کارهای ایشان بیشتر قضایی بود و من چندان به این حوزه ورود نداشتیم. ضمن این که کارهای ایشان اغلب جنبه محرمانه داشت و هیچ وقت درباره اش صحبت نمی کرد. حضرت امام به آقای رئیسی در سن ۲۴ سالگی اش دوماموریت داد. در زمانی که در قوه قضاییه افراد حسن و با سابقه هم بودند و ما تا آخر عمر شهید رئیسی، مطلع نشدیم این دو ماموریت چه بود. اما من شنیده بودم که امام از عملکرد آقای رئیسی برای آن دوماموریت خیلی خوشحال شده و به هیجان آمده بودند. قطعاً اگر آقای رئیسی از این ماموریت امام به ایشان می گفت، درباره معرفی و توسعه شخصیتی خودش موثر بود اما هیچ گاه آن را به زبان نیاورد، این از اخلاص اش بود.

شما برای پیگیری کاری موضوعی از ایشان درخواستی هم داشتید؟ برای پیگیری امور مردم که زیاد هم هست، به خیلی به ایشان رجوع می کردیم البته ایشان

کار خودش را انجام می داد و هیچ وقت نه تنها از من بلکه از هیچ کس توصیه و سفارشی را قبول نمی کرد، یعنی این طور نبود به خاطر دیگران بخواهد قانون و رای قضایی اش را تغییر دهد. **جناب آقای علم الهدی، اگر موافق باشید به سال ۱۳۹۴ و انتصاب آقای رئیسی به عنوان تولیت آستان قدس رضوی وارد بشویم. قطعاً همه می دانیم ایشان در مدت حدود سه سال در مسئولیت تولیت، منشاء خدمات زیادی شدند. از دیدگاه شما، مهم ترین تاثیر و تحول شهید رئیسی در آستان قدس چه بود؟** معتقدم آقای رئیسی در این مسئولیت، خط آستان قدس را تغییر داد که خداوند بر توفیقات آقای مروی (تولیت کنونی) بیفزاید، همان خطر ادامه دادند. آستان قدس قبل از آقای رئیسی، نسبت به مسائل انقلاب، جامعه و مردم توجه لازم را نداشت؛ آستان قدس فقط برای حفظ آستان قدس بود. در حالی که حضرت امام نظرش از ابتدا این بود که بخشی از منابع آستان باید برای مردم و محرومان باشد. در آن سال ها یک بار موضوعی را شنیدم که خیلی ناراحت شدم، ماجرا این بود که گروهی از جانبازان پس از مدتی که از استخر آستان به طور ایگان استفاده می کردند، مسئولان استخر به آن ها می گویند شما برای استفاده از استخر باید هزینه پرداخت کنید. آن ها نزدیکی از مسئولان آستان می روند و آن فرد به صراحت می گوید، ما در قبال جانبازان مسئولیتی نداریم. من این موضوع را به مرحوم آقای طبیبی گفتم، ایشان گفتند من چنین حرفی را به کسی نزدم. این ماجرا را گفتم که بگویم، خط آستان قدس در فضای دیگری بود که آقای رئیسی این نگاه را تغییر داد و وقت، آستان قدس برای همه مردم و همه ایران است. اقدامات متعددی در این رابطه انجام داد از جمله قانون های خادِمیاری در استان ها ایجاد کرد و رسیدگی به محرومان و محرومیت زدایی در سراسر کشور اجرایی شد. خداوند آقای مروی را حفظ کند ایشان نیز همین خطر را به خوبی ادامه می دهند و این آستان قدس، دیگر آن آستان قدس قبل از آقای رئیسی نیست. البته شهید رئیسی، تحولات فراوانی در آستان صورت داد اما به نظر من، تلاش در حوزه خدمات اجتماعی و محرومان، اقدام مهم ایشان بود.

پس از تولیت آستان، ایشان در حکم دیگری از سوی رهبر شهید، رئیس قوه قضاییه شدند، به نظر تان مهم ترین و موثر ترین اقدام شهید رئیسی در ریاست عدلیه چه بود؟

طبیعتاً در زمان معاونت اولی قوه قضاییه، معاون در محدوده سیاست های رئیس دستگاه عمل می کند. اما ایشان زمانی که رئیس قوه قضاییه شد، در یک فاصله زمانی در جهت پاکسازی قوه، حدود ۱۰۰ قاضی را اخراج کرد. در این رابطه مخالفت ها و برخورد های زیادی شنیدیم هم با او شد اما مردود مر دانه ایستاد و کارش را انجام داد.

و ماجرای ریاست جمهوری شهید رئیسی در سال ۱۴۰۰، با شما برای ثبت نام در انتخابات مشورت کردند؟

نه با من مشورت نکرد اما ما متوجه شده بودیم که قصد دارند در انتخابات ریاست جمهوری نامزد شوند. بنده به آقای رئیسی گفتم، چرا می خواهید ثبت نام کنید، شما الان رئیس قوه هستید و از طرف آقا حکم دارید، شما که دنبال پست و مقام نیستید، ریاست جمهوری برای شما چه امتیازی دارد...

آقای رئیسی گفت، من الان رئیس قوه ام و در بحث قضایی اثر گذارم ولی مردم خیلی بیچاره اند، من فقط می خواهم مردم را از بیچارگی نجات بدهم. فکر می کنم می توان با کارهایی مردم را از این شرایط سخت خارج کرد.

در این مسئولیت، آن خدمت رانی توانم انجام دهم و وقتی می دانم مردم گرفتارند و من می توانم به مردم خدمت کنم، چرا انرم. آقا هم که به من اجازه دادند که از قوه قضاییه بروم... این پاسخی بود که آقای رئیسی به من داد.

در دوره ریاست جمهوری، به آقای رئیسی نکته ای گلابه ای داشتید؟ بله گاهی اگر موضوعی به ذهنم می رسید که اگر اقدام شود خوب است، می گفتم و ایشان بلافاصله پیگیری می کرد. درباره گرانی ها می پرسیدم، خب توضیح می داد و علت را می گفت. درباره مسائل فرهنگی، حجاب و... توصیه هایی به ایشان داشتم و اقداماتی می کرد.

آقای رئیسی، خواه نا خواه عقیده ای به بنده داشت که وقتی نکته ای می گفتم، ترتیب اثر می داد...

جایی شنیدیم که گفته بودید، در آخرین دیدار تان حس و حال متفاوتی را تجربه

